

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیماری این زمانه یا همان غفلت

مؤلف: سعد بن سعید الحجرى

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: بیماری این زمانه یا همان غفلت

مؤلف: سعد بن سعید الحجری

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۱۰.....	از خصوصیات اهل این بیماری.....
۱۵.....	ضررهای آن.....
۲۱.....	اما درمان آن.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر و ستایش برای الله تعالی است که روز و شب را در پی یکدیگر قرار داد و رنج و سختی را از ما برداشت و ما را به دوستی و الفت امر فرمود و ما را از غفلت برحذر داشت. گواهی می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و ما را به تبعیت از رسول ﷺ امر فرموده است و ما را از بدعت‌سازی نهی نموده است و ما را از ضایع شدن برحذر داشته است. گواهی می‌دهم که سرور ما، محمد، بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، کسی که پروردگارش از او راضی شد و با نفسش جهاد نمود و از وقت خود استفاده کرد، صلوات و سلام بر او باد تا زمانی که الفت وجود دارد و غفلت برداشته می‌شود. **أما بعد:**

ای مسلمانان! از الله تقوا پیشه کنید! کسی که: ﴿الْمُ تَرَّأَنَّ
اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ
زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ

فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لَأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۲۱﴾ [الزمر: ۲۱]. (آیا ندیده‌ای که الله [متعال] از آسمان آبی فرو فرستاد و بعد از آن، آن را چشمه‌هایی بر روی زمین قرار داد، سپس توسط آن زراعتی را بیرون آورد که رنگ‌های گوناگونی دارد، سپس خشک می‌گردد و آن را زرد رنگ می‌بینی، سپس آن را هیزمی قرار می‌دهد، همانا در این موارد، پندی برای خردمندان وجود دارد). زندگی قبل از مرگ و عمل قبل از تمام شدن وقت، را غنیمت بشمارید و به سوی امور خیر بشتابید؛ زیرا دنیا محل کسب نیکی‌ها و توبه از بدی‌ها است و آخرت محل رسیدن به پاداش یا عذاب می‌باشد؛ آیا آزموده کاری رو به بهشت می‌نمایند؟! آیا فرار کننده‌ای از هلاکت وجود دارد؟! آیا کسی از حسرت‌ها سالم می‌ماند؟! آیا درمانی برای غفلت وجود دارد؟! امروز روز عمل است و روز حساب و کتاب نمی‌باشد و فردا روز حساب و کتاب است و روز عمل نمی‌باشد. بدانید که زندگی مسلمان از دیگران جدا است، زیرا آن زندگی همراه با بیداری و منفعت بردن مستمر است، امروز آن بهتر از دیروز

است و فردای آن بهتر از امروز است و هشیار نمی‌باشد، مگر برای آن که الله تعالی به آن هشیاری امر فرموده است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲] (ای کسانی که ایمان آورده‌ای به اندازه‌ی حق تقوای از الله [متعال] از او تقوا پیشه کنید و نمیرید مگر آن که مسلمان باشید).

زیرا آن زندگی برگزیدگان و بهترین‌ها و ملائک نیکوکار می‌باشد و آنها نمی‌خوابند و به لهو مشغول نمی‌شوند و بازی نمی‌کنند، بلکه فقط الله تعالی را شب و روز تسبیح می‌کنند و خسته نمی‌شوند.

آن زندگی رسول الله ﷺ است، قلب او همیشه بیدار بود و فقط چشمانش می‌خوابید.

آن زندگی اهل بهشت است و اهل بهشت نمی‌خوابند، پیامبر ﷺ فرموده است: «النوم أخو الموت، وأهل الجنة لا ينامون» (خواب برادر مرگ است و اهل بهشت نمی‌خوابند).
زیرا این زندگی، زندگی عمل و تکالیف است: ﴿فَمَنْ

يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿[الزلزلة: ۷، ۸] (و کسی که ذره‌ای خیر انجام دهد آن را می‌بیند * و کسی که ذره‌ای شر انجام دهد آن را می‌بیند).

این دنیا، زندگی است که غنیمتی برای کسی است که آن را مغتنم بشمارد. اهل چنین زندگی کم می‌باشند؛ آنها به الله تعالی ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و اهل ایمان کم می‌باشند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾ [ص: ۲۴] (و بسیاری از شریکان به یکدیگر ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و آنها کم هستند. داود دانست که ما او را مورد آزمایش قرار داده‌ایم، در نتیجه از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه نمود).

آنها کم می‌باشند و با قلبها، زبانها و اعضای بدن خود الله تعالی را شکر می‌نمایند و کسانی که اهل شکر هستند کم می‌-

باشند، الله تعالى می فرماید: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾ [سبأ: ۱۳] (آل داود شکر نمایند و بندگان شاکر من کم می باشند). آنها کم و غریب هستند و به مانند موی سفید بر پوست سیاهی هستند و به مانند مویی سیاه بر روی پوستی سفید هستند، غربت آنها باعث شده است که از فساد کردن مردم جلوگیری کنند و در هنگام فاسد شدن مردم، صالح بمانند. پیامبر ﷺ فرموده است: «طوبی للغرباء» (درخت طوبی [در بهشت] برای غریبان است) مردمی صالح هستند که در بین بسیاری از مردم بد قرار دارند و افرادی از آنها [که از الله تعالی] نافرمانی می کنند، بیشتر از کسانی هستند که از او اطاعت می کنند. اهل این دنیا می دانند که الله تعالی به آنها نگاه می کند و از خود مواظبت می کنند و می دانند که مرگ به سراغ آنها می آید و آنها خود را برای آن آماده می کنند. آنها کسانی هستند که تمام همت خود را برای آخرت می گذارند و الله تعالی امور آنها را جمع می نماید و بی نیازی را در قلبهای آنها قرار می دهد و دنیای آنها را به آنان می دهد و این در حالی

است که از آن جدا می‌باشند.

از بارزترین خصوصیات آنها: سالم بودن از غفلت است؛ آن بیماری دشواری است که قلبها، اعضای بدن، اعمال و عمرها را از بین می‌برد و به مانند آب برای گل و آتش برای هیزم است و آن را ضعیف می‌گرداند، همان گونه که مریضی بدنها را ضعیف می‌گرداند.

از روی خطر آن، الله تعالی به شدیدترین شکل از آن برحذر داشته است و فرستاده‌اش ﷺ را از آن نهی نموده است و نهی نمودن فرستاده‌اش ﷺ همان نهی نمودن، تمامی امت می‌باشد؛ زیرا او رساننده‌ی آن از طرف الله تعالی است، الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۲۰۵] (و از غافلان مباش). همچنین الله تعالی از اطاعت نمودن از اهل غفلت برحذر داشته است؛ زیرا آنها اهل ممانعت نمودن از به سوی الله تعالی رفتن و اهل رویگردانی از یاد او و اهل تلف کردن اعمالشان می‌باشند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ [الکهف:

۲۸] (و از کسی که قلب او را از یاد ما، غافل نموده‌ایم و از هوای خودش تبعیت می‌کند و امرش از حد گذشته است، اطاعت نکن!).

آن را سببی از سبب‌های حسرت و پشیمانی در روز قیامت قرار داده است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [مریم: ۳۹] (و آنها را از روز حسرت خوردن بترسان! وقتی که کار از کار گذشته است، در حالی که آنها در غفلتی بوده‌اند و آنها ایمان نیاورده‌اند).

بیان فرموده است که غفلت سبب فراموشی آخرت و سبب فریب خوردن از دنیا می‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ * مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ * لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ﴾ [الأنبياء: ۱-۳] (حساب و کتاب مردم نزدیک شده است و آنها در حالی که در غفلت هستند، روی برگردانده هستند * یادی از طرف پروردگارشان در سخنی به آنها نمی-

رسد مگر آن که آن را می‌شنوند، در حالی که به بازی مشغول هستند * [و] قلبهای آنها به لهو مشغول است).

عامر بن ربیعہ رضی اللہ عنہ گفته است: «مردی از بادیه نشینان نزد من آمد و او را گرامی داشتم و او را نزد رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم بردم و قطعه‌ای از زمین را به او دادم. روزی آن بادیه نشین آمد و گفت: می‌خواهم این قطعه زمین را برای تو و وارثانت قرار دهم. عامر رضی اللہ عنہ گفت: نیازی به آن ندارم، امروز الله [تعالی] سوره‌ای نازل فرموده است که ما را از دنیا باز داشته است و ما را به آخرت متذکر شده است، سپس قرائت نمود: ﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ (حساب و کتاب مردم نزدیک شده است و آنها در حالی که در غفلت هستند، روی بر گردانده هستند)».

الله تعالی برای آن مجازاتی در آتش جهنم قرار داده است. الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [یونس: ۷، ۸]

کسانی که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیوی راضی شده‌اند و نسبت به آن اطمینان خاطر پیدا کرده‌اند و کسانی که از آیات ما غافل هستند * آنها جایگاهشان آتش جهنم است، به واسطه‌ی آنچه کسب می‌کردند).

الله تعالی آنان را به جمادی توصیف فرموده است که تعقل نمی‌کند، صحبت نمی‌کند، نمی‌شنود، نمی‌بیند، حرکت نمی‌کند و برای خودش و دیگران خیر و شری ایجاد نمی‌کند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ﴾ [الأحقاف: ۵] (و چه کسی گمراه‌تر از کسی است که غیر الله را به دعایی می‌خواند و او تا روز قیامت آن را استجابت نمی‌کند و آنها از دعای آنان غافل هستند).

از خصوصیات اهل این بیماری

الله تعالی اهل غفلت را به صفاتی تشبیه نموده است که صفات چهارپایان است و بلکه چهارپایان از آنها بهتر هستند، از این صفات: قلبهایی دارند که با آن چیزی را نمی‌فهمند و اگر قلب چیزی را نفهمد، آن چیز سودی به بدن نمی‌رساند و زیرا بدنها از قلبها فرمان می‌گیرند. به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «ألا وإن فی الجسد مضغة إذا صلحت صلح الجسد كله، وإذا فسدت فسد الجسد كله؛ ألا وهي القلب» (آگاه باشید که در بدن تکه گوشتی وجود دارد، اگر اصلاح شود، تمامی بدن اصلاح می‌شود و اگر فاسد شود، تمامی بدن فاسد می‌شود؛ آگاه باشید که آن قلب است) اگر قلب نفهمد، عمل اصلاح نمی‌شود و مورد قبول واقع نمی‌شود؛ زیرا اعمال وابسته به نیت‌های آنها می‌باشند. پیامبر ﷺ فرموده است: «إنما الأعمال بالنیات، وإنما لكل امرئ ما نوى» (اعمال فقط وابسته به نیت‌های آنها هستند و برای هر کسی چیزی است که نیت

آن را می‌نماید). عدم فهم قلب، علامتی از علامتهای نفاق است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۶] (و از آنها کسانی هستند که به [سخنان] تو گوش می‌دهند؛ تا آن که وقتی از نزدت می‌روند، به صاحبان علم می‌گویند: آنچه کمی پیش گفته بود، چه می‌باشد؟ آنها کسانی هستند که الله [متعال] بر قلبهایشان مهر زده است و از هوای خود تبعیت می‌کنند).

عدم فهم قلب دلیلی بر قسوت، تاریکی، برگشت، مریضی و بعد از آن مرگش می‌باشد. دورترین قلبها از الله تعالی همان قلبهایی هستند که فهمی در آنها وجود ندارد و مغبوض‌ترین قلبها نزد الله متعال همان قلبهایی هستند که قسوت دارند و تاریک می‌باشند و برگشته‌اند و مرده‌اند و درمانی برای آن وجود ندارد، مگر نرمی، نور، استقامت و سلام.

از صفات آنها این است که چشمهایشان حق را نمی‌بیند

تا از آن تبعیت کند و باطل را نمی‌بیند تا از آن خودداری نماید، راه مستقیم را نمی‌بیند تا بر آن ثابت قدم شود، آیات آفرینش الله تعالی را نمی‌بیند تا توسط آن ایمانش افزوده شود و یقینش زیاد شود؛ آنها آیاتی هستند که با چشم دیده می‌شوند. در قرآن بصیرت نمی‌کنند تا آن را بخوانند و به آن عمل کنند و به سوی آن دعوت دهند و در سنت پیامبر ﷺ بصیرت ندارند تا آن را تبلیغ نمایند. پیامبر ﷺ فرموده است: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً» (از من تبلیغ کنید، حتی اگر شده به اندازه‌ی یک آیه).

از صفات آنها: گوشه‌ای آنها نمی‌شنود و آن برای شنیدن خیر بسته است و برای شنیدن شرّ باز می‌باشد، از هدایت خالی است و مملو از گمراهی می‌باشد و از یاد [الله تعالی] رویگردان هستند. کسی که از یاد الله تعالی روی گرداند، برای او زندگی تنگی خواهد بود و روز قیامت، الله تعالی او را کور محسور می‌نماید، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِّي ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ * قَالَ

رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ
آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿ [طه: ۱۲۴-۱۲۶] (و
کسی که از یاد من روی گرداند، برای او زندگی تنگی خواهد
بود و روز قیامت او را کور محشور می‌نماییم * می‌گوید:
«پروردگارا! چرا مرا کور محشور نمودی در حالی که من بینا
بودم» * می‌فرماید: «این چنین بود که آیات ما به تو رسید و
آن را فراموش نمودی و این چنین است که امروز فراموش
می‌شوی»).

از آنها: مشغول شدن آنها به دنیا و روی گرداندن آنها از
آخرت است. فراموش کرده‌اند که دنیا سرزمین گذر است و
محل استقرار نمی‌باشد و آن سرزمین غربت است و سرزمین
سکونت نمی‌باشد و فراموش کرده‌اند که آن به اندازه‌ی بال
پشه‌ای نزد الله تعالی ارزش ندارد. بر اثر مشغولیتشان به دنیا،
به خودشان و خانواده‌شان در روز قیامت زیان می‌زنند و آگاه
باشید که آن زیانکاری آشکار است.

الله تعالی مجازات اهل غفلت را آتش جهنم قرار داده

است و آنها را به مانند چهارپایان و بلکه گمراه‌تر معرفی نموده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۹] (و برای جهنم عده‌ی زیادی از جنها و انسانها را آفریده‌ام، برای آنها قلبهایی است که توسط آن فهم ندارند و برای آنها چشمهایی است که توسط آن نمی‌بینند و برای آنها گوشهایی است که توسط آن، نمی‌شنوند. آنان به مانند چهارپایان هستند و بلکه گمراه‌تر، آنان همان غافلان هستند). الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ * لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُم فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ [ق: ۲۱، ۲۲] (و هر شخصی در حالی می‌آید که سوق دهنده و گواهی دهنده‌ای همراه خود دارد * همانا از این [امر] در غفلت بودی، پس پرده‌ات را از [دیدگانت] برداشتیم و در نتیجه امروز چشمانت تیزبین است).

ضررهای آن

بدانید که ضررهای غفلت زیاد می‌باشند و عواقب آن وخیم است. از ضررهای آن:

- ضایع شدن عمرها و از بین رفتن برکت آن: وقتی عمر شخص غافل، ساعتی یا روزی یا چند روز بوده و قطع شدنی باشد و در حالی که همیشه زنده نمی‌باشد در این حال پروردگار و نفسش را فراموش می‌کند و نتیجه‌ی آن این می‌شود که عمر او در گذاردن لهُو و لعب، قیل و قال و مشغول شدن به امور مباح، ضایع می‌گردد و به چیزی مشغول می‌شود که درجه‌ی کمتری در خیر دارد و مشغول همنشینی با انسانهای شرور و زیاد کردن بار گناه می‌شود، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ﴾ [الروم: ۵۵] (و روزی که قیامت برپا می‌شود، مجرمان قسم می‌خورند که در [زندگی دنیوی] نبوده‌اند، مگر به اندازه‌ی ساعتی). الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ

الْعَادِينَ ﴿[المؤمنون: ۱۱۲، ۱۱۳]﴾ (می‌فرماید: چند سال بر روی زمین بودید؟ * می‌گویند: روزی یا قسمتی از روزی بودیم، پس از [ملائک] شمارشگر سوال فرما!).

اهل غفلت آرزو می‌کنند تا آن که به دنیا برگردند و عمل صالح انجام دهند، ولی به آنها اجازه داده نمی‌شود؛ زیرا الله تعالی به آنها عمری داد تا در آن متذکر شوند و برای آنها پیامبرانی فرستاد تا آنها را از عذاب وی بترسانند، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أُولَئِكَ نُعَمِّرُكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ﴾ [فاطر: ۳۷] (و آنها در آن [آتش جهنم] فریاد می‌زنند: پروردگار ما! ما را خارج نما تا عمل صالحی غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم. [الله تعالی می‌فرماید: آیا به شما عمر ندادیم و در آن کسی که تذکر داده شده بود، متذکر گردید و برای شما ترساننده‌ای [از عذاب من] نیامد؟ پس بچشید که برای ستمگران یاری رسانی نمی‌باشد).

از ضررهای آن: ضایع شدن اعمال صالح که همان مشغولیت در دنیا می‌باشد و آن سرمایه‌ی مسلمان است و بهترین توشه‌ای است که برای خود آماده می‌کند و بهترین لباسی است که می‌پوشد. همان رضایتمندی الله تعالی و اقتدای به رسول الله ﷺ است و سببی بر خوشبختی دنیا و آخرت و نجات یافتن در دنیا و آخرت است... چه زمانهایی را غافلان ضایع می‌کنند، بدون آن که ذکری بگویند! چه روزهایی از آنها ضایع می‌شود و آن را بدون قرآن و نماز سپری می‌کنند! چه هفته‌هایی از آنها ضایع می‌شود که در آن به نماز جمعه نمی‌روند و صدقه نمی‌دهند و به سوی الله تعالی دعوت نمی‌کنند و امر به نیکی و نهی از بدی نمی‌نمایند و در مجالس ذکر و یاد، حاضر نمی‌شوند! چه ماههایی از آنها ضایع می‌گردد که روزه نمی‌گیرند و در امور خیر سبقت نمی‌گیرند! چه سالهایی از آنها ضایع می‌شود بدون آن که توبه نمایند و به سوی الله تعالی بازگشت کنند و پندی نگرفته و درسی نمی‌گیرند. بلکه چه بسا اعمال صالح آنها با غفلت از بین می‌رود؛ چه بسیار کسانی

هستند که قرآن می‌خوانند و قرآن آنها را لعن می‌کند؛ زیرا آنها در آن تدبیر نمی‌نمایند و از آن پند نمی‌گیرند. چه بسیار نمازخوانی وجود دارد که نماز او فقط به مانند تنه‌ی درختی است و چه بسا که آن نماز به گوش نمازخوان سیلی بزند و به او بگوید: الله تعالی تو را ضایع گرداند، همان گونه که مرا ضایع گرداندی! چه بسیار روزه دارانی هستند که بهره‌ی آنها از روزه فقط گرسنگی و تشنگی است؛ زیرا او با مصرف نمودن حلال روزه می‌گیرد و با حرام افطار می‌نماید؛ زیرا او با انجام امرها و خودداری کردن از نهی‌های الله تعالی، بین خود و بین عذاب الله متعال حفاظتی قرار نمی‌دهد. به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «لیس الصیام من الطعام والشراب، وإنما الصیام من اللغو والرفث» (روزه با [نخوردن] غذا و نوشیدنی نمی‌باشد، بلکه روزه فقط با [دوری] از سخن لغو و شهوت می‌باشد). وی ﷺ فرموده است: «رُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْعَطَشُ» (گاهی می‌شود که روزه‌دار در روزه‌اش بهره‌ای جز گرسنگی و تشنگی وجود ندارد).

چه بسیار افرادی هستند که شبها نماز می‌خوانند و نمازخواندن آنها جز بیدار ماندن و خستگی نتیجه‌ی دیگری ندارد؛ زیرا آنها نماز می‌خوانند برای آن که ریا کنند و مردم از آنها تعریف نمایند یا آن را برای سلامتی بدن یا دیگر چیزها، انجام می‌دهند. پیامبر ﷺ فرموده است: «رُبَّ قَائِمٍ حَظَّهُ مِنْ قِيَامَةِ السَّهْرِ وَالتَّعَبِ» (چه بسا که کسی نماز شب بخواند و بهره‌ای از نماز او جز بیدار ماندن و خستگی وجود نداشته باشد).

چه بسیار کسانی که دعا می‌کنند و دعای آنها رد می‌شود [و اجابت نمی‌گردد]؛ زیرا قلب انجام دهنده‌ی آن در غفلت است. پیامبر ﷺ فرموده است: «ادعوا الله وأنتم موقنون بالإجابة» (از الله طلب نمایید در حالی که شما به اجابت آن یقین دارید!)، زیرا الله تعالی دعای قلب غافل را اجابت نمی‌کند.

از ضررهای آن: بیکار ماندن اعضای بدن از عمل صالح است و عدم وجود نیت صالح در آن است و سخن پاکی گفته

نمی‌شود و عمل صالحی وجود ندارد و اخلاق نیکویی موجود نمی‌باشد. به همین دلیل الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۷۹] (برای آنها قلبهایی است که توسط آن فهم ندارند و برای آنها چشمانی است که توسط آن نمی‌بینند و برای آنها گوشهایی است که توسط آن نمی‌شنوند).

از ضررهای آن: خوشحال کردن شیطان در گمراه نمودن و به راه شرّ فرستادن است؛ بر قلبهای غافلان سیطره پیدا می‌کند و بر اعضای بدن آنها مسلط می‌شود و باطل را برای آنها زیبا جلوه می‌دهد و آنها را از عمل صالح باز می‌دارد و عمل صالح آنها را فاسد می‌نماید. آنها را به نافرمانی‌ها سوق می‌دهد و با آنها در خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، محل استقرار و سوار شدن‌ها شریک می‌گردد.

اما درمان آن

بدانید ای بندگان الله! درمان غفلت فقط با کامل نمودن عمل و با کامل نمودن اخلاص برای الله تعالی و اقتدا نمودن به رسول الله ﷺ در آن و خود را زیر نظر الله تعالی دیدن، حاصل می شود. پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ» (الله [متعالم] دوست دارد که اگر عملی را انجام می دهید، آن را کامل انجام دهید).

درمان آن در زیاد یاد نمودن الله تعالی است و الله متعال امر فرموده است تا آن در تمامی زمانها صورت پذیرد. الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الأحزاب: ۴۱، ۴۲] (ای کسانی که ایمان آورده اید، الله را بسیار یاد کنید! * و او را صبح و شام تسبیح بگویید!). امر فرموده است که در تمامی حالات انجام پذیرد، الله تعالی می فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ﴾ [النساء: ۱۰۳] (پس اگر نماز را

برپا داشتید، ایستاده و نشسته و برپهلوی دراز کشیده الله را یاد نمایید!). دین با حکمت برای تمامی حالتهای انسان ذکر خاصی تخصیص داده است و از هفت گروهی که در روز قیامت برای آنها سایه‌ای جز سایه‌ی الله تعالی وجود ندارد، شخصی است که الله متعال را یاد نماید و اشک از چشمانش جاری شود.

درمان آن با قرآن است؛ زیرا آن سبب زنده شدن قلبها و نور آن و غذای آن می‌باشد. اگر قلبها پاک باشند از یاد الله تعالی سیر نمی‌شوند. پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ قَامَ بَعَشَرَ آيَاتٍ لَمْ يَكُتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ، وَمَنْ قَامَ بِمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ، وَمَنْ قَامَ بِأَلْفِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُقَنْطَرِينَ» (کسی که [در شبانه روز] ده آیه برپا دارد [در پرونده‌ی اعمال او] از غافلان نوشته نمی‌شود و کسی که صد آیه برپا دارد از فرمانبرداران [از الله تعالی در پرونده‌ی اعمالش] نوشته می‌شود و کسی که هزار آیه برپا دارد از کسانی نوشته می‌شود که به اندازه‌ی

قنطارها^۱ اجر می برد).

درمان آن نماز است تا در راحتی مشغولیت ایجاد نشود و در شدت گرما برپا شود و هنگام سردی مشغولیت ایجاد نشود و آن شکسته برپا شود و هنگام تاریکی مشغولیت ایجاد نشود و هنگام غروب آفتاب آن خوانده شود و در هنگام شب مشغولیت ایجاد نشود و در آن نماز عشاء خوانده شود و در هنگام صبح به خوابیدن مشغولیت ایجاد نشود و نماز صبح خوانده شود؛ نماز ضحی برای آن در دین قرار داده شده است تا انسان اول روز دچار غفلت نشود و نماز شب برای آن در دین قرار داده شده است تا انسان آخر شب، غافل نگردد.

درمان آن با روزه گرفتن می باشد؛ تا انسان از عبودیت شکم و شهوت، آزاد گردد. اسامه رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! آنچنان که در شعبان روزه می گیری ندیده ام که در ماهی دیگر

۱ - منظور از قنطار، آن است که در پوست گاو طلا یا نقره گذاشته

این چنین روزه بگیری. فرمود: «ذلک شهر یغفل عنه بین رجب و رمضان، وهو شهر تُرْفَعُ فیه الأعمالُ إلی رب العالمین، فأحب أن یُرْفَعَ عملی وأنا صائم» (آن ماهی است که بین رجب و رمضان در آن غفلت صورت می‌گیرد و آن ماهی است که اعمال به سوی پروردگار جهانیان بالا می‌رود و دوست دارم که عملم در حالی بالا رود که من روزه‌دار باشم). درمان آن با دور شدن از مکانهای آن است؛ مانند بازار که شیطانهای انس و جن در آن جمع می‌شوند.

درمان آن شناخت حقیقت دنیا است؛ آن فقط للهو، بازی، زینت، فخر فروشی، زیرا کردن مالها و فرزندان و کالای فریب خوردن است و شایسته است که با عمل صالح، مداومت در طاعت و توبه از گناهان، غنیمت شمرده شود؛ نتیجه‌ی به دنبال دنیا رفتن این است که اهل آن در آخرت نصیبی نخواهند داشت.

درمان با حاضر شدن در مجالس ذکر و یاد صورت می‌پذیرد، زیرا آن مجالس ملائک، پیامبران و صالحان و

مجالس ایمان، بهشت و آمرزش است و در آن رحمت الله تعالی وجود دارد و در آن ثابت قدم شدن و یاد و خوشبختی وجود دارد. آمده است که زنی غافل به شوهرش گفت: به من اجازه بده تا عبید بن عمیر را به فتنه بی اندازم. به او اجازه داد و نزد عبید رفت و چهره‌اش را آشکار نمود. وقتی آن زن را دید، گفت: چگونه می‌بینی که مرگ به سراغ تو بیاید و تو در قبرت قرار بگیری و نزد پروردگارت حشر شوی و ترازوی عمل تو را قرار دهند و راحت مشخص شود، آیا باز هم دوست داری که نیاز تو را برآورده نمایم؟! گفت: خیر. از غفلت خود توبه نمود و به سوی پروردگارش بازگشت.

ای بندگان الله! از الله تعالی بترسید و تقوا پیشه کنید و از غفلت برحذر باشید و زندگی [را برای کسب ثواب آخرت] غنیمت بشمارید. الله تعالی به همگان توفیق آنچه را که دوست دارد و از آن راضی می‌شود، بدهد. صلی الله و سلم و بارک علی محمد بن عبد الله.